

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

داکتر عبدالحنان روستایی
۱۳ اکتوبر ۲۰۰۷

اختره مه رآه !

«اختره مه رآه!» عنوان شعر بیست (۱) که مرحوم "زمانی" در سال ۱۹۸۲ یعنی حدود دو سال بعد از تجاوز شوروی آنوقت به افغانستان در جریان جنگ مقاومت بمناسبت عید سعید سروده بود که اوضاع جانگداز وطن را در آن وقت انعکاس می داد. چون اوضاع امروز شباهت زیاد به احوال آن زمان دارد، بنا بر آن یادی از آن بیمورد نخواهد بود. زیرا اگر دیروز استعمار شرق به کمک خلقها و پرچمیها وطن را به خاک و خون کشیدند، امروز استعمار غرب در همکاری با ایتلاف شمال و نقاضت دروغین با نیروی تاریخزده و سپاه طالبان به استشاره پاکستان کمر به قصد انهدام میهن و کشتار هممیهنان بسته اند.

محمد هاشم "زمانی" که زادگاهش کمر است از جمله شعرای انقلابی و شخصیت های ملی کشور میباشد که به جرم وطنخواهی در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه مانند بسیاری از شخصیت های ملی کشور در زندان انداخته شد و سالیان درازی را در حبس گذراند. او در زمان استبداد صدارت محمد داوود با خانواده اش به هرات تبعید گردید. در آغاز تجاوز روس مرحوم "زمانی" در ایجاد "جبهه متحد ملی افغانستان" کوشش فراوان نموده و یکی از بنیانگذاران این جبهه محسوب میگردد. "زمانی" عاشق آزادی و شیفته وحدت ملی بود و تا پای جان در همین راستا طی طریق کرد تا سر انجام در عالم هجرت در حالیکه اشعار زیادی در پای آرمانهای خود سروده و خرمنی از آرزوها در سینه سوخته بود، دو سال قبل پرورد حیات گفت. دانشمندان، شخصیت های ملی و دوستداران "زمانی" در مورد او ذکر خیر فرا وانی کرده اند که اینک مثالی به مثابه "مشت نمونه بسیار" آورده میشود.

مرحوم عبدالرحمان "پژواک" در زمان حیات "زمانی" در سال ۱۹۹۰ م در دیوان "زخمی زره" (۲) او تقریظی نوشته و از "زمانی" چنین یادآوری کرده: «"زمانی" از شعرای دردمند و آرزومند زبان پشتو است. اشعار او از سلالت و فصاحت در بیان و بصیرت در معانی بهره مند است. بیجا نیست اگر بگوئیم اشعار وی نگاری از چهره راستین مبارزه ملی مردم خدانشناس و آزادی پرست افغانستان است که بر پرده دل و دماغ تصویر شده است و لاجرم بر دل می نشیند و در مغز فرو میرود... "زمانی" از آغاز جوانی درس زندگی را از درد و رنج فرا گرفته است. سالیان دراز زندانی بوده و گرم و سرد سنگر سرد و جنگ گرم، رنج مهاجرت و درد دوری از وطن همه را دیده و چشیده است. با پیرمندان و پیرزنان اظهار دعا و اندوه میکند. با کودکان یتیم و بیدست و پا اشک می ریزد. چون شمع بر مزار شهید می سوزد. از نفاق می نالد و ارمان او ظفر بر دشمن و آزادی مردم و وطن است. زمانی "شاعر ملی" و بیشتر از آن "شاعر وحدت ملی" است» (۲).

اختره مه راځه !

د وینو سیلا بونه دی اختره مه راځه
دردونه او غمونه دی اختره مه راځه
کنړ دی که پنجشیر دی که پغمان که قندهار دی
د روس سره جنگونه دی
اختره مه راځه
روزگان دی که زابل دی که غزنی دی که کابل
په زرونو کی داغونه دی
اختره مه راځه
فاریاب که سمنگان دی شبرغان دی که مزار
په وینو سره دشتونه دی
اختره مه راځه
پکتیا که بدخشان دی او که غور دی که بامیان
رنگ رنگ په وینو غرونه دی
اختره مه راځه
بغلان دی که بادغیس دی جوزجان دی که تخار
د سرو وینو ډنډونه دی
اختره مه راځه
ننگرهار دی که لغمان دی، کاپیسا ده که پروان
د خلکو وران کورونه دی
اختره مه راځه
میدان دی او که بلخ فراه وینو کی لت پت دی
مرگونی سرودونه دی
اختره مه راځه
وطن ماتمکده ده خوشحالی او خندا نشته
ژړا ده او ویرونه دی اختره مه راځه
سرود د غم د ژوند دلته په هر کور کی غږیږی
د او ښکو بارانونه دی
اختره مه راځه
توتی د بدنونو اندامونه چه پرته دی
په لاروکی مینونه دی
اختره مه راځه
د سوز د فریادونو نه بل هیڅ شی دلته نشته
هنگور دی سره زخمونه دی
اختره مه راځه
طوفان د قتل عام دی دا سری وینی بهیږی
وژونکی طوفانونه دی
اختره مه راځه
ظلمونه په افغان، تاریخ ساتلی په سینه کی
د روس ظالم ظلمونه دی
اختره مه راځه
"زمانی"

منابع :

- ۱ - محمد هاشم زمانی : د آزادی آرمان. مجموعه اشعار، ۱۳۶۱ هجری شمسی، پشاور، پاکستان.
- ۲ - محمد هاشم زمانی : زخمی زره. مجموعه اشعار، ۱۳۷۹ هجری شمسی، پشاور، پاکستان.

یادداشت :

هنر مند محبوب کشور صفی وهاب شعر بالا را آهنگ ساخته که در پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان قابل شنیدن است.